



سخی صمیم

# جرم چیست؟ مجرم کیست؟ و جزای قانونی کدام است؟

## قانونیت جرم و جزا

مرا تنبیه ماده پنجم قانون جزای میهنم باساس این هدایت که: (بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمیشود) آگهی داده مکلف ساخت تا فهم ناتوانم را بمنظور کمک به علاقه مندان احکام قانون فعال و بسا از موضوعات ضروری - هدایات قانون را تا جائیکه بتوانم به معرفی گیرم تا باشد مصدر خدمت کوچک و ناچیز گردیده باشم. بر همین بنیاد در تداوم نوشته های قبلی خویش اینک مطالب زیرین را در رابطه به عناوین ذکر شده آن به بحث می گیرم:

میخواهم اینبار تا حد امکان با استفاده از جملات ساده بطور بسیار مختصر و مؤجز مطالبی را درباره قانونیت جرم و جزاء پیشکش دوستان و عزیزان علاقه مند سازم که مفاهیم و معانی روشنی داشته وازان استفاده اعظمی صورت گیرد. و آنانیکه میخواهند از محتوای احکام قوانین کیفری نافذ میهن ما ذهن روشنتری داشته و نبشته ناچیزم را مرور فرمایند. امید می کنم که ریخته قلم قابل استفاده باشد و اگر درین راستا کمبود و کاستی به مشاهده رسد معذورم پنداشته عرضة تقصیر اتم پذیرفتنی گردد.

## قانونیت جرم و جزاء

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر بموجب قانون. بر بنیاد همین اصل - هیچ شخصی را نمیتوان مجازات کرد مگر بموجب قانونیکه قبل از ارتکاب فعل و عمل مورد اتهام نافذ و عمل انجام شده را جرم شناخته باشد. و اگر واضحتر بگوئیم: هر عملیکه در مخالفت از احکام قانون انجام شود جرم است. و هر فاعلیکه عمل خلاف قانون را انجام دهد مجرم است. و زجر و جزائیکه قانون آن را برای مجرم تقدیر و تعیین کرده است (جزا) است.

نکته قابل تذکر در قانونیت مجازات این است که فعل انجام یافته و یا اتهام وارده بر متهم را قانون قبل از وقوع آن جرم شناخته باشد. بلی با دقت لازم در پدیده های تذکار یافته عناوین زیر برارنده میگردد:

## جرم مجرم جزاء

**تثبیت حالات جرم و مجرم در قبال جرایم :** با حفظ مفاهیم یاد شده و عناصر مگونه جرمی - جرم پدیده ایست که قبل از وقوع و ارتکاب آن نمیتوان به ماهیت آن پی بُرد. زمانیکه جرم وجود خارجی می یابد طبعن شامل یکی از اصناف معینه قانونی می باشد. اما قابل دقت است که در ایداعات و وقوع جرایم الزاماً مُحدِث ویا عواملی قرار دارد که آنرا بنام مجرم می شناسیم و همین مجرم است که بایست جوابگوی عمل انجام داده خلاف قانون خودباشد.

اکنون با یک تأمل کوتاه در حال موجودیت فزیک جرم و مجرم به وضوح در می یابیم که مجرم در مقابل عمل خلاف قانون خود مستوجب جزائی پیش بینی شده قانون می باشد. پس همین جزاست که رابطه نا گسستگی با نوعیت جرم و فعل انجام شده داشته و آن بایست تثبیت و روشن گردد.

## تثبیت نوعیت جرم و مجرم با چگونگی وقوع قضیه :

همانطوریکه عرض شد - برای تثبیت نوعیت جرم 'ماهیت' چگونگی وقوع و حالات مُشده و مُخففه و همچنان شناخت مجرم 'حالات مربوط به آن' چگونگی انجام فعل و انگیزه و تحرکات مربوط به مجرم و غیره حالات می باید قضیه و حادثه واقع شده تحت بررسی قانونی قرار گرفته و از صفحات کشف 'تحقیق' تدقیق و محاکمه بگذرد تا چگونگی وقوع نوعیت و حالات جرم و مجرم پیدا و حالات مربوط به آنها دانسته شود. و مجرم در صورت تثبیت مسئولیت محکوم به جزاء و در غیر آن رفع اتهام گردد.

بهتر است با یک مقدمه بسیار کوتاه جرایم کیفری و جزاهای مقدره قانونی را از حیث شدت و خفت و تصنیف آن بشناسیم:

## تصنیف جرایم و تقدیر جزاء از دیدگاه قانون:

قبل از سال ۱۳۵۵ هجری شمسی مطابق سال ۱۹۷۷ میلادی یعنی قبل از نفاذ قانون جزاء در میهن ما قضات افغانستان در تعیین و تقدیر جرایم و جزا های تعزیری مقید به اوامرقانونی نبوده و قیوداتی در تعیین و تقدیر جرایم و جزاء وجود نداشت قاضی در تعیین جزاء و تخفیف و تشدید آن دست باز داشت و جزاء را با در نظر داشت کمیت و کیفیت جرایم شدت و خفت نحوه وقوع جرم 'حال و احوال مجرم' طور تعزیری به اساس رأی خود صادر می نمود.

نفاذ قانون جزای افغانستان تحول خوبی بود در تنظیم جرایم و جزاهای تعزیری. کود جزاء 'جرایم و جزا ها را از حیث شدت و خفت به جنایت' جنحه و قباحث تصنیف نمود. و مجازات مرتکبین جرایم حدود' قصاص و دیت را مربوط احکام فقه شریعت اسلام دانست. و جزاء های اصلی را چنین تعریف کرد:

- ۱ - اعدام
- ۲ - حبس دوام
- ۳ - حبس طویل
- ۴ - حبس متوسط
- ۵ - حبس قصیر
- ۶ - جزای نقدی

قانون جزاء: جنایت را جرمی دانست که مرتکب آن: به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد.

۱ - (اعدام عبارت است از آویختن محکوم علیه به دار تا وقت مرگ)

۲ - ( ۱ - حبس دوام عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابسیکه از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است)

( ۲ - مدت حبس دوام از شانزده سال تا بیست سال می باشد)

۳ - (حبس طویل

حبس طویل عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محابس که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.

مدت حبس طویل از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد.

در حبس دوام و حبس طویل محکوم علیه مکلف است کار های اصلاحی را انجام دهد که در قانون مربوط به محابس پیش بینی شده است.

محبوسیکه سن شصت سالگی را تکمیل کرده باشد به انجام کار گرچه اصلاحی هم باشد مکلف نمی باشد.

جنبه به جرمی گفته میشود که مرتکب آن: به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد.

( مدت حبس متوسط از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد )

وقباحت با تحدید مقدار جزا چنین تعریف میشود: قباحت جرمیست که مرتکب آن: به حبس از (۲۴) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد.

و مدت حبس قصیر از بیست چار ساعت الی یک سال تعیین شده است.

و جزای نقدی هم عبارت از: مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت میباشد.

بہتر است در ارتباط به مطالب بالا کہ از تصنیف و تقدیر جزا به فحواى احکام قانون آگہ شدیم اکنون بدانیم کہ متهم چه وقت به صفت مجرم شناخته میشود؟

(برائت الذمہ حالت اصلی است). بر بنیاد همین اصل صرف به وارد ساختن اتهام نمیتوانیم متهم را مجرم قلمداد و مستوجب جزاء بشماریم. زیرا متهم تا زمانیکہ به حکم قطعی محکمہ با صلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد بی گناہ شناخته میشود.

## برائت ذمہ:

اصل قابل حرمت در دنیای حقوق و بررسی های کیفری همین اصل است کہ آن را می توان جنین برانده ساخت : متهم تا زمانیکہ از طرف محکمہ با صلاحیت مسئول شناخته نشود و محکوم علیه قرار نگیرد مسئولیت جزائی نداشته بی گناہ شناخته میشود.

نکتہ باریکی درین زمینه وجود دارد کہ دقت لازم میخواهد:

یکی تثبیت بیگناهی متهم و برائت ذمہ آن از طرف محکمہ با صلاحیت است کہ متهم بیگناہ و مبرا از مسئولیت شناخته میشود.

و دیگری وقوع جرم و موجودیت مجرم است کہ هم قضیه ثابت و هم مجرم معلوم است. اما در چنین قضایا حین بررسی قضیه معاذیری دیده میشود کہ به حکم قانون آنرا (معاذیر قانونی و احوال مخففہ قضائی) می نامند.

و این معاذیر در حال تثبیت جرم و موجودیت مجرم می تواند زایل کننده جزاء و مسئولیت متهم از جزا و یا تخفیف دهنده آن گردد.

توجه داشته باشیم کہ معاذیر تبرئه کننده و تخفیف دهنده جزا در قانون تصریح و معین گردیده است کہ پایه های اصلی استناد حکم در قضایای مربوط است.

## چه معاذیری می تواند موجب عدم مسئولیت جزائی تخفیف و یا تشدید جزا های قانونی شود؟

همانطوریکہ در فوق به عرض رسید قانون جزا جرایم و جزا های تعزیری را تصنیف و تنظیم و این جزا ها را با کتہ گوری های مختلف از نگاه جرم و جنایت دسته بندی و معین نمود. و جزا ها را ظاهرن با حدود و اندازه مختلف و حد و اندازه اقل و اکثر تعیین نمود. درین ارتباط سلسله سوالاتی در ذهن خوانندگان ایجاد میشود کہ در چنین حالات تبرئه و بی گناہ شناختن متهم مسئول شناختن و تعیین جزا' گزینش حد اقل و اکثر و یا تخفیف و تشدید جزا با چه شرایط و درچه حالات و به کدام صلاحیت صورت می گیرد؟

اگر پاسخ این سوال ها را ابتدا کوتاه و مختصر ذکر کنیم و به دوام آن تا جائیکہ لازم باشد توضیح بسیار مؤجرانه شود بہتر خواهد بود.

معاذیر مُخففه قضائی و قانونی بطور عام یا تبرئه کننده از جزا می باشد و یا تخفیف دهنده آن که قانون به آن صراحت بخشیده است.

در غیر آن احوال مخففه قضائی و قانونی عبارت از حالاتیست که ارتکاب جرم باسناد انگیزه شریفانه صورت گرفته و یا مجرم به اساس تحریک غیر حق متضرر (مجنی علیه) اقدام به جرم نماید.

### معاذیر تبرئه کننده:

معاذیر تبرئه کننده از جزاء اساس منع مسئولیت جزائی را تشکیل داده و مانع صدور حکم بر جزا های اصلی تبعی و تکمیلی می گردد.

## مسئولیت جزائی چیست؟

مسئولیت جزائی وقتی بوجود می آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود.

## موانع مسئولیت جزائی چیست؟ و چه وقت محقق است؟

موانع مسئولیت جزائی از تحقق یافتن یکی از عوارض ادراک یا یکی از اسباب فقدان اراده بوجود می آید. بگونه مثال: شخصیکه حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض عقلی فاقد ادراک و شعور باشد مسئولیت جزائی نداشته مجازات نمی گردد.

## معاذیر تخفیف دهنده جزاء چیست؟

معاذیر تخفیف دهنده جزا را قانون خود تصریح و تقیید نموده که محاکم به اتکای آن می توانند جزا را تخفیف دهند. بطور مثال زمانیکه ارتکاب جرم به اساس انگیزه شریفانه صورت گرفته و یا مجرم از اثر تحریک غیر حق مجنی علیه به ارتکاب جرم اقدام نموده باشد. تخفیف جزا در چنین قضایا می تواند مورد استناد باشد. و علاوه از موارد ذکر شده محاکم و قضات می توانند حین بررسی قضایا حالات مخففه را از احوال و اوضاع مربوط به جرم و مجرم استنتاج نموده و آن را مورد استناد قرار دهند. پس محکمه می تواند:

## در صورت موجودیت حالات مخففه در جنایات جزاها را طور آتی

### تخفیف و تنزیل دهد:

جزای اعدام به حبس دوام  
جزای حبس دوام به حبس طویل  
جزای حبس طویل به حبس متوسط

اگر معاذیر مخففه در جرایم جنحه موجود گردد. و جزای پیشبینی شده درین جرایم حد اقل داشته باشد محکمه به آن مقید نمی باشد.

و اگر جزای پیش بینی شده در قانون شامل حبس و جزای نقدی باشد محکمه می تواند به یکی ازین دو جزا حکم نماید.

اگر حد اقل جزا در قانون ذکر نشده باشد. محکمه می تواند به جزای نقدی حکم نماید.

## رأفت قضائی

بر مبنای مطالعه مختصر نیشته بالا صلاحیت قانونی قضات در رابطه بر موجودیت معاذیر مخففه در قضایا تصریح شد. اما حالت قابل دقت دیگر موضوع رأفت قضائی است که محکمه آن را حین بررسی قضایا از احوال و اوضاع جرم و مجرم استنتاج می نماید. و چنین حالاتی قبل از بررسی قضایا در احکام قانون مشخص نیست. ولی صلاحیت استخراج استنتاج آن در جریان بررسی پرونده و رسیدگی قضایا با در نظر داشت اوضاع و احوال جرم و مجرم به محکمه واگذار گردیده است که آن را به نام رأفت قضائی می شناسیم. و صلاحیت قضات در موجودیت و ایجاب رأفت قضائی تقریباً همدیف صلاحیتی است که محکمه حین موجودیت معاذیر مخففه در جرایم از آن استفاده میکند.

## همانطوریکه محتوای سطور اخیر نشان داد صرف محکمه می توند از صلاحیت های ذکر شده در چارچوب هدایت قانون استفاده نماید.

یاداشت: گفتنیست که من به اساس خواست تعدادی از دوستان در ارتباط به (رافت قضائی) نوشته ای قبلاً به نشر سپرده ام.  
در ادامه عرایض قبلی طور مکرر عرض میشود که مآخذ و منابع نبشته های ناچیزم قوانین کیفری و مدنی وطنم می باشد.

با عرض حرمت و درود سخی صمیم